

هذیان دل

محبّتی گلستانِ

اخیراً یک استاد ادبیات دانشکده هنر تبریز به نام ابوالفضل علی محمدی‌که‌گویا تحقیقاتی هم‌درباره‌زندگی و آثار محمدحسین شهریار دارد، در مراسم بزرگداشت شاعر بزرگ مستنگاری ایرانی گفته است: «شهریار در دوران حیاتش از صادق هدایت یاد می‌کرد و زمانی‌که در تهران خانه داشت با نیما پویشچ به منزل او رفت‌وآمد داشت و حتی یک بار گفت که هدایت به او نیما پیشنهاد انتحار (خودکشی) داد و این دو به او تنها گفته بودند: ان… مع الصابرين…» و بعد، درباره توفیق ادبی شهریار در مقابل شکست ادبی صادق هدایت گفته که «شهریار می‌گفت که در مجلسی در منزل ملک‌الشعراى بهار، صادق هدایت تازه «بوف کور» را نوشته بود و برای حاضرین خواند و به خاطر متن آن کتاب جمعیت حاضر در آن مراسم به‌نوعی در هم رفته و ناراحت شدند. بهار رو به شهریار کرد و با او گفت شهریار چیزی بخوان و او نیز بخشی از هذیان دل را خوانده است که منجر شده در مقابل بوف کور یک انبساط روانی در مجلس حاکم شود.»(به‌نقل از خبرگزاری مهر، کد خبر: ۱۳۷۹/۲۹/۲۱۳۷۹۰۰۰۰).تاریخ‌مخایره:۲۶/۱۳۹۲/۹۳۵۲۰۰یکته‌ای که این شهریارشناس محترم توان تحلیلش را نداشته این است که خاطره اول متعلق به سال ۱۳۱۷، یعنی دوران اوج بحران‌های روحی شهریار و نیما بوده است و اتفاقاً شهریار و نیما و هدایت به هم درد دلی‌گفته بوده‌اند و از اوضاع بدروحی خود شکیالی داشته‌اند. خاطره دوم، اما درک و همدلی عمیق شهریاررا در مواجهه با دنیای «بوف کور» نشان می‌دهد؛ زیرا شهریار «هذیان دل» را خوانده است، شعری روانی که راوی آن فردی مالیه‌ولیایی است: «دلم سری از گذشت ایام /طوفانی و مالیخولیایی /طومار خیال و خاطراتم /لولیده به کارخوندمای /چون بر تو قلم‌پیام هر دم / در پرده تار سینمایی /بگشوددم لدم زبان هذیان» نیما پویشچ در اردیبهشت ۱۳۳۵ در ستایش این شعر شهریار نوشته است: «آن منظومه، با وجودی‌که نسبتاً طولانی است و حداندای ندارد و ممکن است آدم را خسته کند، به‌عکس است،مطلب‌ها،یادآوری‌ها،آن حسرت‌های دلگرا، منظره‌هایی که یکی پس از دیگری عوض می‌شود، جای حادثه راگرفته و خواننده حساس را اسیرکرم می‌کند.من کلمه حساس را برای این آوردم چون هذیان دل فقط به کار آن طبقه می‌خوردکسی که شاعر نباشد، شعر را نمی‌فهمد ولی چه بسیار اشخاص که شعر می‌گویند و شاعر نیستند و به‌عکس، این منظومه، پیام شاعرانه برای شاعر است.بهترین منظومه شهریار است. او در قهرمانان به‌دنبال مردم‌رفته است که در زندگی آن‌ها دخالت کند، ولی در هذیان دل خودش است که مردم در او دخالت داشته‌اند.» در پس سخنان این استاد دانشگاه تحلیل‌های غیرانتقادی به چشم می‌خورد. تعظمت کلام شهریار در تاریخ معاصر شعر فارسی برکسی پوشیده نبوده است، پس چرا باید کسی ملح شهریار را با گشودن فضای دوقطبی میان شاعر و نویسنده و در نهایت، با دم صادق هدایت انجام دهد؟ نیما، ۶۷سال پیش در همان نوشته درباره شعر «هذیان دل» به چنین طعن‌های خیال و خاطرات» که در کار خوندمایی لولیده و اتفاق در روز ملی شعر و ادب فارسی و بزرگداشت محمدحسین شهریار و روزمایی از کتاب «سلام بر حیدرآباد» در تالار سوره حوزه هنری بیان شده است، چنین پاسخ داده بود: «هدف اصلی تنها شعر نیست، بلکه شعر، ابزار برای هدف‌های دیگر است. شعر برای آنها، یک مرحله ابتدایی و نارس است. که به آن نرسمید.آنها. اما برای شهریار، کهنه شده؛ شعر، خود هدف است. مقصود زندگی او از خود شعر است.» هدایت و شهریار، مردم را در خود دخالت داده و همراه و همزمان با دم تحولات اجتماعی و سیاسی برسد دیکتاتوری شاهنشاهی و خرافه، و داستان نوشته بوده‌اند. شهریار و هم هدایت چشم‌اندازی وسیع‌تر و آفاقی به‌په‌اوتر از نگاه یک‌جانیه ایشان که می‌کوشد بین دردهای مشترک شاعر و نویسنده درافق ایجاد کند، در پیش روی خویش می‌دیده‌اند.

دیجِه

عاشقانه‌های آپولینر یا ترجمه سبائلو

عاشقانه‌های گیوم آپولینر یا ترجمه محمدعلی سبائلو در راه است.
مدیر فرهنگی، مدیر انتشارات سرزمین اهورااری، در این‌باره گفته:
قرارداد کتاب «عشق… و شب‌های پاریس» شامل شعرهای عاشقانه از گیوم آپولینر، شاعر سرنخسان ارواحیایی، به ترجمه محمدعلی سبائلو، مترجم و شاعر صاحب‌نام معاصر، مستفاد شد. این کتاب هم‌اکنون در انتظار طی شدن مراحل قانونی برای دریافت مجوز است. او درباره این شاعر گفت: آپولینر زاده و درگذشته پاریس است. او را از شاعران برجسته اویل قرن بیستم فرانسه می‌دانند. آپولینر مبتکر شعر کالبرگرام است و گفته می‌شود واژه سوررئالیسم ابداع اوست. دوستی بدین او با پیکاسو موجب شد او کوئیسیم ادبی را به وجود آورد و نوعی تفکرنگاری با کلمات و شعر کانکریت را پایه‌گذاری کرد. این ناشر و شاعر در باره عاشقانه‌ها آپولینر گفت: این کتاب که با انتخاب و ترجمه شاعر نام‌آشنا معاصر محمدعلی سبائلو گرد آوری شده است، حدود یکصد صفحه است و شامل برجسته‌ترین شعرهای عاشقانه آپولینر است. نام کتاب «عشق… و شب‌های پاریس» عنوانی قراردادی است که بر این مجموعه عاشقانه انتخاب کرده‌ایم و مترجم مقصد جالبی درباره آپولینر و داستان عاشقانه‌هایش برای این کتاب نگاشته است.
ضرغامی در پایان اظهار امیدواری کرد که مجوز این کتاب به زودی صادر شود و در کنار سری جدید از مجموعه جهان‌اشعار سرزمین اهورااری منتشر شود.
«عشق… و شب‌های پاریس» شامل عاشقانه‌های قطعه رقصی منتشر خواهد شد.

فراوسو

برای سالمرگ ادگار آلن پو

استاد ادبیات جنایی آمریکا

آمروز (دوشنبه) صدوشصت‌وچهارمین سالروز درگذشت «ادگار آلن پو» شاعر، نمایشنامه‌نویس و نویسنده سرنخسان آمریکایی است که وی را از پیشگامان ژانر علمی-تخیلی می‌دانند. «ادگار آلن پو» نوزدهم ژانویه ۱۸۰۹ در بوستون آمریکا متولد شود. او از رهبران جنبش رمانتیک آمریکا بود و بیشترین شهرت خود را برای داستان‌های پلیسی و جنایی‌اش به دست آورد.
ایرانی نوشت: وی را از اولین بنیان‌گذاران داستان کوتاه در آمریکا و از پیشگامان ماستان جنایی و پلیسی می‌دانند؛ هرچند در شکوفایی ژانر داستانی علمی تیز تأثیر داشته است. پس از تحمیلات در دانشگاه ویرجینیا، آلن پو اولین اثر خود را به صورت بی‌نام در قالب مجموعه شعری با عنوان «آمرلین و دیگر اشعار» در سال ۱۸۲۷ منتشر کرد. اولین مجموعه داستان کوتاه او در سال ۱۸۳۶ با نام «داستان‌های مضحک و اسلیمی» منتشر شد.

فرزانه طاهری از پایان ترجمه درس‌گفتارهای ولادیمیر نابوکوف درباره ادبیات اروپا خبر داد. این مترجم گفت: ترجمه درس‌گفتارهای نابوکوف به پایان رسیده و هم‌اکنون در مرحله نمونه‌خوانی است. او افزود البته بخش ادبیات روس این درس‌گفتارها قبلاً منتشر شده‌دوباره مورد بازبینی قرار گرفته است. به گفته طاهری، حجم کتاب «درس‌گفتارهایی از نابوکوف درباره ادبیات اروپا» حدود ۴۰۰ صفحه است و شامل درس‌گفتارهای این نویسنده در نیمه اول قرن بیستم می‌شود که او در دانشگاهی در آمریکا درباره

گفت‌وگوی آرمان با علیرضا پنجه‌ای

قطاری پر از کوپه‌های تسلسل

محمدمحمدی‌پور

بخش اول



علیرضا پنجه‌ای با انتشار آتارَش از یک‌ی یکی از شاعران، منتقدان، نظریه پردازان و روزنامه‌نگاران ادبی در دهه ۷۰ایران بوده است- نظرات او در باره شعر معاصر و به‌ویژه شعر دیداری که در اغلب روزنامه‌ها انعکاس داشته‌است، افزون بر این سربدیری نشریات ادبی چون «ویژه هنر و ادبیات کادح»، «گیلان زمین»، «گیله‌وا ادبی» و «روزنامه معین» را نیز در کارنامه خود دارد. تا به امروز «آن سوسوی مرز باده»، «شری از ستاره و هذیان»، «عشق اول»، «پیامبر کوچک» و «شب هیچ وقت نمی‌خواید» از مهم‌ترین کتاب‌های دیداری و زبانی شعر او به ششمار می‌آیند که به چاپ رسیده‌اند. پنجه‌ای از دهه ۶۰ علاوه بر تأثیر بر جوانانی که در دهه ۷۰ فعالیت کردند، در معرفی چهره‌های جوان در شعر، ادبیات و روزنامه‌نگاری بسیار کوشیده است. به همین خاطر به سراغ علیرضا پنجه‌ای رفیق‌ت تا با او درباره خویش متفاوتی که از شعر دهه هفتاد دارد گفت‌وگو کنیم؛ هر چند من در بسیاری از موارد با ایشان موافق نیستم ولی به دلیل کتبی بودن گفت‌وگو امکان دیالوگ و کاوری نظرات ایشان وجود نداشت.

○ شما یکی از چهره‌های تأثیرگذار شعر دهه ۷۰ محسوب می‌شوید، درباره چگونگی شکل‌گیری شعر دهه ۷۰ به‌ویژه از نیمه اول دهه مذکور چه گزارشی دارید؟ به عبارت دیگر می‌خواهم بدانم شکل‌گیری شعر دهه ۷۰ از چگونه تبیین می‌کشد؟
ژوزه سزارامگو می‌گوید: منشا اشتباهات ندانستن نیست، بلکه اعتقاد کورکورانه است. بخش اعظمی از گفت و شنوندهای رسانه‌ها با من از دهه هفتاد برای روشنگری پیرامون این مهم بوده است. بازفت‌ها و واقعیت هر چند نزدیک شدن به حقیقت، پس چند غیر متعقد می‌نماید، چرا که برخی از نومآذگان، زحمت بازیابی آرا و خویش‌اشعار شاعرانی‌که شعرشان در دهه ۷۰ چاپ شده را هم نداده‌اند و در پی نام‌های مطرح شده ژورنالیست هستند. دوستان واقعیت چیز دیگری است: من لااقل بیش از ده مصاحبه در مورد شعر دهه ۷۰ داشته‌ام که برخی شاعران نامُده دهه ۷۰ نگران ناگامی در مطرح شدن خود سعی در قلب واقعیت داشتند. شما در آرشپو سایت یاگ کوچک **Www.panjei.ir** اگر جست‌وجو کنید در خواهید یافت که من چه‌اندازه انرژی برای بازیابی حقیقت گذاشته‌ام، بنابراین هویت جعلی دیر یا زود افشا می‌شود. هم از این رو به شما دوست واقعیت چیز دیگری و مخاطبان فرهیخته روزنامه مورد علاقه‌ام-آرمان-باید زدگشی اول سود، نباید از یاد ببریم که از سوسوی دیگر در کتان آن آب بود، شکر ناپ با هدایت زنده یاد آنتنی و شعرهای درخشان شاعران نوگرایی آن‌زمان که بیشترشان جزوبی بودند به راه‌انداخته شدن و البته شعر ناپ تأثیر خود را بر روند شعر نو فارسی گذاشته است. خوب بودن پرداختن به این نملها و واکاوی و بازیابی دقیق شعر نو پس از نیما خواهد. توانست نتایج نثری ثمری در بررسی و تحلیل دقیق جریان‌های مختلف شعری برای عاشق‌مندان بررسی و تحلیل شعر در گذر زمان به برای آورد البته از دریچه زبانی بی‌حب و بغض و هوشمند که نه به شعر رایج بسنده مانده و نه از شعر پیشرو پس بنشیند. شعرا ما در دهه ۴۰ هم در کنار چهره شدن بزرگان شعر، شعر حجم و موج نو و شعر دیگر را با خیل شاعران بزرگ و مدرنش به شعر ما افزود که برآیند چهره آثار و آرایشان ذهن و زبان شعر امروز ما را بی‌انگیزت.
شعر دهه ۶۰ هم شعر دوره گذار بود از شعری با آن همه تجربه‌های متنوع زیبایی‌شناسانه شعر رایج شعر، شعر مدرن و پیشرو و البته در مقابل شعری سیاسی و آرمانی. در دهه ۶۰ شعر ما مشغول سبک سنگین گذشته بود و برنامه‌ریزی برای شعر سال‌های دهه ۷۰ بنابراین ۷۰ بنابراین ۱۰۰۰ ساله مهم خلق الساعه بوده و دارای یک پیشینه ۱۰۰۰ ساله درخشان شعر پارسی و صد ساله شعر نو با همه فراز و فرودهایش بوده است. شعر در واقع هر چه را که می‌باید کنار بند زده و هر آنچه باید حلق کند را در خود حل کرده است. شعر در دهه ۶۰ به واسطه فضاقت جنگی مسائل مبتلا به آن، با آرمان‌گرایی بیشتر همراه بود و همین شرایط سبب شد که در شعر شاعران شاه‌عهای جدیدتری پدید آید. شعر ۷۰ مرهون جریان پارکیت بین و ادغام و در هم زریی بوده است. شعر شاعرانی با ادبی و زبان‌شناسان و فلاسفه معاصر بوده از فوکو تا لویاتر، بارت، سورسور، پل ریگور و ویگنشتاین… آثار برایتگان و… بگیر تا شعر بیدل که قریب ۲۰ سال پیش در هم در این خصوص گفته بودم و شعر سپهری، رویایی، احمد رضا احمدی و نظرات براهنی که از شعرش البته جداست، من و نجلی و سعید صدیق هم که دست و

فرزانه طاهری از پایان ترجمه درس‌گفتارهای ولادیمیر نابوکوف درباره ادبیات اروپا خبر داد. این مترجم گفت: ترجمه درس‌گفتارهای نابوکوف به پایان رسیده و هم‌اکنون در مرحله نمونه‌خوانی است. او افزود البته بخش ادبیات روس این درس‌گفتارها قبلاً منتشر شده‌دوباره مورد بازبینی قرار گرفته است. به گفته طاهری، حجم کتاب «درس‌گفتارهایی از نابوکوف درباره ادبیات اروپا» حدود ۴۰۰ صفحه است و شامل درس‌گفتارهای این نویسنده در نیمه اول قرن بیستم می‌شود که او در دانشگاهی در آمریکا درباره

درس‌گفتارهای نابوکوف درباره ادبیات اروپا

نوینسدگانی چون جین آستین، جیمز جویس، گوستاو فلوبر، مارسل پروست، چارلز دیکنز و…گفته است و شاکردان و ویراستاران آن‌ها را در یک مجموعه گردآوری کرده‌اند.فرزانه طاهری متولدسال ۱۳۳۷ است و از جمله ترجمه‌های او به «کلیسای جامع» نوشته ریوندا کاورو، «عقلش آمریکایی» نوشته ریچارد رایت، «مسخ و درباره مسخ» و راتس کافکا و ولادیمیر نابوکوف، «عناصر داستان» نوشته رابرت اسکولز، «هبانی نقد لقبی» نوشته ولفگرد گرین و «خاتم دلی» نوشته ویرجینیا وولف می‌توان اشاره کرد.

○ **رابطه شعر علی رضا پنجه‌ای و شعر دهه ۷۰ را چگونه می‌بینید؟ و با توجه به اینکه مهرداد فلاح (در بهترین انتظار)، علی عبدالرضایی (تن‌ها آدم‌های آهنی در باران زنگ می‌زنند) و ابوالفضل پاشا (از آن همه دیروز) شعرهایشان را در ابتدای دهه ۷۰ تولید و عرضه کردند، می‌خواهم بدانم شما شعر شاعران مذکور را در شکل‌گیری دهه ۷۰ تا چه‌اندازه مؤثر می‌بینید.**

به گواه مصاحبه یزدان سلحشور-بسا من در روزنامه ایران در آغاز دهه ۸۰ شعر من از نخستین شعرهای پیشنهاددهنده در دهه ۷۰ بود، منتها ما هوجی‌گر نبودیم و چندین نشریه ادبی سراسری از رشت منتشر می‌شد که شاعران جنوب و مرکز و شرق و غرب را مورد حمایت خود دربر داده بود. من خودم گیلان زمین را منتشر می‌کردم، علی صدیقی و صالح‌پور هم چند ویژه نقش قلم و گپه وارا و چندین جنگ هم از سوسوی دوستان دیگر، شما می‌توانید در گیلان زمین نمونه‌های درخشان شعر معاصر را در دهه ۷۰ ببینید، اما در این میان هرگز به بدلسکاران اجازه خود نمی‌اندام. من خود مششوق به گواه ادغان ایشان در مصاحبه یزدان سلحشور با او نخستین باره‌های شعر اششیا توسط ایرج ضیایی بودم و در روزنامه ایران، و آثار اسیر و بچه‌های آستانرا و… را! اما وقت داوری، تنها شعرهایی که نمی‌دیدند این شعرها بود و تنها اشاره به نشریات کم پیمانی که کارهایشان را چاپ می‌کرد داشتند. در حالی که مطرح‌ترین شعرهای شاعران در نشریات گیلان چاپ می‌شد. شعرهای من در تداوم شعر پارسی و شعر نوست، شعر من جزئی از اجزای متشکله شعر زمانه ماست کم و بیش تأثیر پذیر و تأثیر گذار، بی‌کم و کاست. در باره من و من‌های دیگر تاریخ اگر ضایع باشیم، می‌نویسیم، سخت متعقد تاریخ فریب نمی‌خورد، و هرکس به‌اندازه نقش سهم خود از نقش بند می‌گیرد، پس از چاپ یکی از مؤثرترین کتاب‌های روزهای اول دهه ۷۰، «شری از ستاره هذیان» را با «آن سوسوی مرز باده» که حاوی شعرهای کوتاه‌هم بودند همزمان چاپ کرده بودم با سرمایه هنر و ادبیات کادح و همکاری بخش کتاب چشمه، پس از چاپ کتاب‌هایم که «حاوی شعرهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ بود، فلاح، از من خواست مراتب چاپ کتابش را با هزینه خودش فراهم کنم، پس از چاپ دو کتاب هم چند نقد مهم و روانگشارایش نوشته‌د. برای نمونه مجله ای به زبان تازه من در این کتاب‌ها اشاره کرد و کاظم کریمیان شعری پس از نیمای بنشیند، یعنی شعرهای فراخ، شاعران بزرگ دوره را به چالش گیرد و محافظه کار هم نباشد. کسانی مانند شفیعی‌کدکنی البته کمی مهربان‌تر با آثار نو و نوینباد یا محمد قوقی، مشیت علایی، لادن نیکام و نه البته دکتر براهنی که برآیند نقدهایش در طلا در مس شاعران شد و خود، راه کسانی را رفت که نقداشان می‌کرد. نگاه کنید به «بچه بودای اشراقی!» در باره زنده یاد سهراب سپهری. شعری که نیم‌آثار را از هزار سال سنت و درجا زند زده‌هاند و در دهه ۶۰ فرخ، شاعراغ، شاعران بزرگ موج نو و شعر حجم و شاعران شعردیگر و شعر دیداری چون طاهره صفرازاده، رویایی، احمدرضا احمدی، اخوان آنتنی با اسب سپید وحشی و عبودی خط را داشته است. چگونه در دهه‌ای که طاهرانی چون شاپور بنیاد و کلاهی اهری و ایرج ضیایی و سعود احمدی و شمس لنگرودی با برخی شعرهای تخیلی لبخند چاک برآوردند، چرا در دهه ۷۰ کتیبه‌های جبرونی با تمام شکوه و قدرتشان باقی ماندند موسی بندری و آخته‌نژاد که بی‌سر و صدا شعر گفتند، بز ناگاه بیاییم فقط تیزهوشان ۷-۸ نفره را در دهه ۷۰ معرفی کردیم. نگاه مسطحی‌تر از این نمی‌شود. فلاح اگر چه در اوایل دهه ۷۰ آفرینده‌هایش کمتر جدی گرفته می‌شد اما در دهه‌های پنجاه‌اکی تا دهه ۷۰ هم در ادبیات داستانی بود که زحمت کشید و از شعر در دیدار احمدی، بهترین قسمت‌های کتاب اشعار چون «شعر خرمشهر و تابوت‌های بی‌دور پیکرش» هم‌چهاروی زیبایی‌شناسی ویژه‌ای بر نمی‌تابد.کتاب است نگاه کنید به شعر شاعران زبان محور آن زمان تا به ندرستی بودن این ادعاها بی‌برید. من هرگز نخواست‌ام مانند برخی تنها پرورم ماهی خود را از زورِدخانه شعر بگیرم، من دلم برای این نگاه سطحی ژورنالیستی -حکام و ناپخته‌ها می‌سوزد. البته‌نژاد آدم‌های جریان‌ساز را آگاه و خود را مصروف ادبیات و هنر کند در راس رسانه‌ها از مهم‌ترین دلایل آسیب‌شناسی فقدان معیاری برای میزهر سز را ناسره است. به راستی شعرایی که دهه ۴۰ با پشت سر گذاشته آیا به ادعاها بیکجانبه برخی که فقط به خود معتقدن گوش باید داد. ما وامادار ۱۰۰۰ سال شعر فارسی هستیم. بزرگان ما کم نیستند؛ باید در مواجهه با آن

دل بازیمان در مهمان نوازی شهره عام و خاص ادبیات همیشه می‌خواهیم بپردازند.شعر در این سرزمین را ببینیم؟ هر کجای وطن، بسیار در دسترس بودیم؛ اما این‌ها را برپتان‌گیویم که شما با مجموعه بهترین و مترقی‌ترین صاحب سبک‌ترین شاعران و نظریه پردازان قادر نخواهید بود بنیان شعری را با طراحی از پیش بی‌فکندید چرا که شعر هنری خلق الساعه است و تدبیرناپذیر! شعر راه خودش را می‌رود.

○ برخی برای بهزاد زرین‌پور در نیمه اول ۷۰ با انتسار مجموعه‌شعر «ای کاش آفتاب از ز تائیر زین‌پور بر شعرهای شاعرانی نظیر علی عبدالرضایی و مهرداد فلاح حرف می‌زنند، با این حساب شما شعر زرین‌پور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سندینی برای اثبات این تلقی نیست. شعر آقای بهزاد زرین‌پور در برخی پارها تلاش‌های خوبی نشان می‌داد اما ایشان در آن زمان به عنوان نوآدم مطرح بود، علت حمایت یکی از نشریات از وی می‌بخاطر یکر بودن هویت او بود که دارای شعرهای عینی متفاوت تری نسبت به هم سن و سالسان خود بود. در چنین موقعیتی حتی آن جمله «پیامبرای روانی دارد این آب» هم به جز یک کاریکلماتور معمولی کارکرد زیرکانه‌ای در شعر نداشت. نگاه کنید به کاریکلماتورهای زنده یاد پرویزشاپور، خواهید دریافت‌که معیارها چگونه خواهد بود و شاملو چرا هرگز آن‌ها را شعر نداشت. شعر خطی، رویایی و عینی- تصویری این نوآدم مستعد توانایی جریان‌سازی نداشت، بهترین قسمت‌های کتاب اشعار چون «شعر خرمشهر و تابوت‌های بی‌دور پیکرش» هم‌چهاروی زیبایی‌شناسی ویژه‌ای بر نمی‌تابد.کتاب است نگاه کنید به شعر شاعران زبان محور آن زمان تا به ندرستی بودن این ادعاها بی‌برید. من هرگز نخواست‌ام مانند برخی تنها پرورم ماهی خود را از زورِدخانه شعر بگیرم، من دلم برای این نگاه سطحی ژورنالیستی -حکام و ناپخته‌ها می‌سوزد. البته‌نژاد آدم‌های جریان‌ساز را آگاه و خود را مصروف ادبیات و هنر کند در راس رسانه‌ها از مهم‌ترین دلایل آسیب‌شناسی فقدان معیاری برای میزهر سز را ناسره است. به راستی شعرایی که دهه ۴۰ با پشت سر گذاشته آیا به ادعاها بیکجانبه برخی که فقط به خود معتقدن گوش باید داد. ما وامادار ۱۰۰۰ سال شعر فارسی هستیم. بزرگان ما کم نیستند؛ باید در مواجهه با آن

یوسف علیخانی مطرح کرد:

چهره‌شناسی خریداران کتاب در نمایشگاه‌های استانی

سالشان بیش از ۴۰ سال بود و حتی برخی لیست خرید کتاب هم داشتند. علیخانی افزود: برخورد مخاطبان در نمایشگاه اصفهان هم در نوع خودش جالب بود. اساساً فعالتهای خود خوان را در ادبیات ایران صاحب مکتب و وارث نویسندگان و مترجمانی چون ابوالحسن نجفی به برداران اخوت می‌دانند. در روزهای اول شاهد بودم که به نمایشگاه با دیده تردید نگاه می‌شود و خیلی محتاط به سراغ آن می‌روند، اما دیدن کتاب‌ها که مخاطبان را به سمت خرید و مزه مزه کردن آنها سوق داد. این نویسنده ادامه داد: در تیزر ایام ماجرای استقبال از نمایشگاه کتاب استثنی به دلیل اختوت رقم خورد تا جایی که حس می‌کنم دومین نمایشگاه پرشور کتاب در کشور از اسسال در این شهر دیدم. مثلا به خوبی می‌شد دید که تمام تیزر برای معرفی این نمایشگاه در قالب تبلیغات شهری، روزنامه‌ای و تلویزیونی سیج شده‌اند. جدای از این مخاطب نمایشگاهی هم بسیار تیز بود و فضای خوبی را برای مردم و ناشران مهیا کرده بود. جز این، ساعت کار نمایشگاه تیزر هم از ۱۰ صبح تا هفت شب به صورت یکسره بود، اما در اصفهان در میانه روز نمایشگاه چهار ساعت تعلیمی می‌شد و همین مساله مخاطب را از نمایشگاه دور می‌راند. علیخانی ادامه داد: همه می‌گوییم که مردم ما کتابخوان نیستند، اما

ادبیات

دیدگاه

داستان خوب

مصطفی بیان

در جایی خواندم که «ابرتر مک کی» گفت: «داستان خوب یعنی داستانی که ارزش تعریف کردن داشته باشد و دنیا نخواهد گوش کند.» لذت داستان شنیدن یا خواندن از کجاست؟ ما چرا از شنیدن یا خواندن داستان لذت می‌بریم؟ در مورد «داستان» تعریف‌های بسیاری بیان شده است. علی سیف الهی در جایی نوشته بود: «هنریدنگی، شرح دادن چیزهایی است که برای دیگران بدیهی است. هنر زمینی کردن حس ها، فکرها، واقعیت ها، خیالات و رویاها. نویسنده خودش را در مرکز واقعه قرار می‌دهد و از آن به بعد شروع می‌کند گزارشگری به افشاکردن آنچه در او می‌گذرد.»
خب حالا از کجا باید فهمید که یک داستان ارزش تعریف کردن دارد یا نه؟ بسیاری از اساتید آموزشگاههای داستان نویسی در اولین جلسه کلاس این جمله را گفته‌اند که: «داستان یک نوشته است، ولی که نوشته‌ای داستان نیست!» «جمال میر صادقی» در کتاب «عناصر داستان» «داستان» را تصویری عینی از چشم انداز و برداشت نویسنده از زندگی معرفی کرده است. هر نویسنده «فکر و اندیشه» معنی درباره زندگی دارد ضمن هر برخوردش با زندگی، فلسفه زندگی او را مجسم می‌کند. از زندگی دارد و این «احساس» صمیمانه با «فکر و اندیشه» او در پیوسته‌اند و گاه در برابر هم قرار می‌گیرند.روح…! مهدی پور عمرانی در کتاب «آموزش داستان نویسی» در مورد تعریف داستان این گونه توضیح داده است: «داستان، متن است که نویسنده آن به کمک تخیل و از راه پرورش و گسترش دادن یک حادثه تلاش می‌کند بر احساس خواننده تأثیر بگذارد.» داستان با دو ویژگی ۱- و ویژگی ۲- نیروی تخیل ۲- برانگیختن احساس، سبب می‌شود تا داستان، متنی هنری به حساب آید.من اعتقاد دارم که بسیاری از مردم استعداد نوشتن دارند، ولی توان خوب بنوایش خواننده بسیاری جذب نمی‌کند. «هربرت گلد» در مقاله اش برای یک «سمپوزیوم بین‌المللی درباره داستان کوتاه» اظهار داشته که «داستانگو باید قصه‌ای برای گفتن داشته باشد، نه آنکه با نثری شیرین خواننده را بفریبد.»
خصلت یک داستان خوب این است که بتواند ما را وادار کند که بخوایم بدانیم بعد چه اتفاق می‌افتد «ای. ام. فورستر» در کتاب «جنبه‌های رمان» داستان را چنین تعریف کرده است: «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان – در مثال ناهار پس از چاشت و سه شنبه پس از دوشنبه و تابهی پس از مرگ می‌آید.»امروز خواننده داستان دوسته هستندند یا از داستان بیشتر اطلاعات می‌خواهند یا سرگرمی و لذت بخشیدن. این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از شاهکارهای ادبی ایران و جهان موفق به دریافت جوایز ادبی نشده‌اند و یا با شمارگان کم به فروش رسیده‌اند؛ در این دلیلی بر نبودن «داستان خوب» تأثیر آهست.

○ **پیشوای داستان‌سراییی در ادب فارسی**

تصور کنید نزدیک نه قرن پیش زندگی می‌کردید. زمانی که زندگی به معنای امروزی اش تفاوت‌های بسیاری داشت و خبری از اوتومبیل، هواپیما، تلفن همراه، اینترنت و مجبور بودید در نبود تلفن همراه یا ایمیل برای رقتن به مکانی سوار اسب یا لاغ و به جای مسیر مستقیم جادهٔ مسافتل شده از دل کوه ها، رهسپار سفری پر خطر و چند ساله شوید.در همان روزهای گذشته شکل و شمایل امروزی قرن بیست و یکم را نداشت؛ ولی جمال‌الدین ابوالمجد ایلیاس بن یوسف بن زکی متخلص به نظامی با چنین شرایطی دشوار می‌زیست. در دوره‌ای که پادشاهان سلجوقی در ایران حکمفرمایی می‌کردند، زبان فارسی در این زمان رواج کاملی یافت و بیشتر آنها در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی و سخن پارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی زبان و تأسیس کتابخانه‌ها و خانقاها و مدارس کوشش فراوانی کردند. زمانی که داستان نویسی مانند آموزش تفاوت‌های بسیاری داشت. نظامی را پیشوای داستان‌سراییی در ادب فارسی می‌نامیدند. حالا گر ما نه قرن پیش زندگی نمی‌کنیم آیا می‌توانیم نگاهی به کتاب‌های «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون» و «اسکندرنامه» نظامی بیندازیم. نمونه‌اش همین «خسرو و شیرین» که در کتاب فروشی‌ها یا سایت‌های اینترنت هست. چهار شخصیت داستانی این کتاب خسرو پرویز (پسر هرمز و نازوشیروان)، شیرین (برادر زاده ملکه آران)، شاهپور (ندیمه خسرو پرویز) و فرهاد (دلداده شیرین) هستند که نظامی به زیبایی آنها را در داستان «خسرو و شیرین» خود گنجانده است.امروز نظامی گنجوی و آثارش بیشتر لقب قیصر زندان‌ها نیستند، به راحتی کنشورهای همسایه، نظامی داستان‌سرای ایرانی را از آن خود می‌دانند و برای نشان دادن تمدن ساختگی خود از نام آنها در مجامع بین‌المللی بهره بسیاری می‌برند! «ساموئل ریچاردسون پدر داستان تحلیلی در انگلستان زمان پاملا یا پادشای کلامتی را با آنتونیروان و «خسرو و شیرین» نظامی در سال ۱۷۲۰ میلادی نوشت. نظامی یکی از ستاره‌های آسمان شعر و ادب پارسی است.

تصادف اتوبوس حامل ناشران

مشاور معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جزئیات حادثهٔ اتوبوس ناشران اتوبوس ناشران در تبریز به تهران را توضیح کرد و از مجروح شدن ۳۰ نفر و جان باختن یک نفر خبر داد. همایون امیرزاده درباره تصادف اتوبوس حامل جمعی از ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه استانی کتاب در شهر تبریز به ایسنا گفت: پس از پایان کار نمایشگاه استانی کتاب تبریز، تعدادی از غرفه‌داران و ناشران که از تهران در این نمایشگاه شرکت کرده بودند، در مسیر برگشت در اتوبان تبریز – تهران دچار سانحه می‌شوند و اتوبوس واژگون می‌شود. در اثر این حادثه تقریباً ۳۰ نفر مجروح شدند که یک نفر از آن‌ها به علت شدت جراحت‌های وارده متأسفانه فوت کرد. او افزود: فرد درگذشته حسین طهماسی، غرفه‌دار انتشارات پارمیس، بوده است. امیرزاده همچنین گفت: خوشبختانه با همکاری راهنمایی و رانندگی و جمعیت هلال احمر، مجروحان به بیمارستان‌های شهرستان‌های میانه و زنجان منتقل شدند. مصدومان هم که به بیمارستان میانه اعزام شده بودند، به غیر از همان فردی که فوت کرده است و زاننده، همدیگر مرخص شده‌اند. همچنین به جز چهار نفر، مصدومان‌ه که در بیمارستان آیتا… موسوی شهر زنجان بستری شده بودند، مرخص شده‌اند و چهار نفر بستری شده نیز پس از انجام مداوای اولیه، از بیمارستان مرخص خواهند شد. او در ادامه گفت: برگزارکننده نمایشگاه‌های استانی کتاب، مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی است که البته مورد حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم هست، اما ایاب و ذهاب ناشران با عهده خود آن‌هاست. امیرزاده همچنین از رؤسای ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان آذربایجان شرقی و زنجان به خاطر حضور در بیمارستان‌های مربوطه و تأکید بر رسیدگی به مصدومان شاکر کرد.